

HUMAN RIGHTS & ERADATION OF VIOLENCE ORGANIZATION
Training and Empowerment of Young Advocates Professional Advocates in
Afghanistan

مؤسسه حقوق بشر و محو خشونت
آموزش و توانمند سازی وکلای جوان افغانستان

بررسی وضعیت زنان زندانی در زندان ولایت بامیان

نویسنده: سلیمه فاضلی

ولایت بامیان

سال ۱۳۹۹

سلیمه فاضلی متولد سال ۱۳۷۵ دانش آموخته ای رشته علوم دینی تربیه معلم و همچنان رشته حقوق در مؤسسه تحصیلات عالی خصوصی بامیکا است. خانم فاضلی یکی از اشتراک کننده های کلینیک حقوقی و محکمه تمثیلی حقوق بشر و محو خشونت در سال ۲۰۲۰ در مؤسسه حقوق بشر و محو خشونت بوده است.

چکیده

زنان به عنوان نیمی از پیکر جامعه همیشه مورد خشونت و تعدی قرار گرفته اند. اگر به تاریخ افغانستان نظر بیندازیم به وضاحت کامل می بینیم که زنان در طول تاریخ همیشه در حاشیه بوده، حقوق اساسی و مهم آنها مورد تجاوز قرار گرفته است، حالا فرقی نمی کند چی در محیط خانواده، محیط کار و یا هم در محیط زندان. باید تذکر داد که هیچ انسانی کامل نیست و هر انسانی مرتکب اشتباهاتی می شود که در این زمینه زنان و دختران نیز از این امر مستثنی نیستند. و ممکن که در اثر نافرمانی از قوانین و مقررات نافذ دولت افغانستان، راهی زندان شوند.

بنابراین برای تطبیق قانون، تحقق عدالت و اصلاح مجرم یکی از ابزار های مؤثر زندان است. طبیعی است که زنان بحیث نصف اعضای یک جامعه، مرتکب جرایم و اعمال خلاف قانون نیز می گردند که می تواند عوامل مختلفی داشته باشد. برای تحقق عدالت و بازگرداندن آنان به وضعیت طبیعی، قانون ابزار های مختلف دارد که یکی از آن ابزارها زندان می باشد. این تحقیق، یک تحقیق میدانی بوده و وضعیت زنان زندانی در زندان ولایت بامیان را مورد بررسی قرار داده است و نظریات کلیه زنان زندانی در زندان مذکور در این تحقیق گنجانید شده و وضعیت آنان بطور بی طرفانه و واقع بینانه بازتاب داده شده است.

واژگان کلیدی: زنان، زندان، حقوق بشر

مقدمه

جرم یک پدیده ای اجتماعی است و قوانینی که آن را تعریف، تبیین و ضمانت می کند نیز اجتماعی می باشند. برای هر آن کسی که خلاف قانون یا اخلاق یا عرف و عادات رفتار کرده و مرتکب عمل بد شده باشد، باید مجازاتی در نظر گرفت (صانعی، ۱۳۸۸). مجازات، مشقتی است قانونی که از طرف محکمه بر مجرم تحمیل می شود. از این تعریف چند ویژگی مجازات روشن می شود:

الف: مشقت بار است و بنابراین توأم با لطف و احسان نیست.

ب: این مشقت توسط قانون تعیین شده است.

ج: مشقت مذکور از طرف محکمه و طی فیصله رسمی اعلام می شود.

د: مشقت قانونی مذکور فقط به مجرمان قابل تطبیق است نه غیر آن ها. (غلامی، ۱۳۸۵، ص ۱۴۱)

مجازات دارای اشکال و انواع متنوع می باشد و ما در اینجا روی نوع مشخص مجازات حقوقی-قضایی توجه داریم که عبارت از حبس می باشد. کد جزای افغانستان در ماده ۱۴۵، حبس را چنین تعریف نموده است: حبس عبارت است از زندانی ساختن محکوم علیه به حکم قطعی محکمه در یکی از محابس که از طرف دولت به این منظور اختصاص یافته است. (کد جزا، ۱۳۹۶)

از سوی دیگر، زندان ها دارای معایب و مشکلات زیادی نیز می باشند. از جمله، فاسد شدن زندانیان، تنازل سطح سلامتی جسمی و اخلاقی زندانی و خانواده ای او، نابودی حس مسؤولیت زندانی، از بین رفتن نیروی بازدارندگی و هزینه برای دولت و تعطیل توان تولیدی مجرم (قربان نیا، ۱۳۹۲، ص ۱۷۸ و ۱۷۹). با توجه به همین مسائل است که امروزه حتی در مواردی که مجرمی قانوناً محکوم به گذراندن دوره معینی در حبس می گردد، بحث از تبدیل مجازات و جایگزین کردن زندان بوسیله مجازات دیگری که تبعات منفی مجازات زندان را به دنبال نداشته باشد، مورد توجه جرم شناسان، متخصصان حقوق جزا و قانونگذاران است (آشوری، ۱۳۸۲، ص ۱۵۶). با توجه به سنتی بودن جامعه ما، بهتر است که زنان کمتر به زندان فرستاده شوند تا افراد کمتر از معایب زندان متضرر گردند و از طرف دیگر، حتی اگر زنان از مفاسد زندان در امان بمانند و یا زندان دارای معایبی نباشد و باعث اصلاح مجرمان گردد و زنان زندانی بتوانند به حیث شهروندان تابع قانون به جامعه بر گردند، امکان این که آنان از سوی جامعه پذیرفته شود و به زندگی عادی بر گردند، ظاهراً کم است. از جانب دیگر، در اسناد قانونی، منجمله قانون منع خشونت علیه زن، قانون منع آزار و اذیت زنان و اطفال و حتی لایحه فعالیت کمیسیون عالی منع خشونت علیه زن چیزی در مورد حمایت، کمک و نظارت از زنان زندانی وجود ندارد و توجه نهادها و مؤسسات حمایت از زنان زندانی ناچیز است. (آریائی، ۱۳۹۴، ص ۱۰۳)

تحقیق حاضر، تحقیق میدانی بوده که مبتنی بر معلومات اخذ شده از کلیه ای زنان زندانی ولایت بامیان می باشد که این معلومات از پرسشنامه های که توسط آنان پُر گردیده، بدست آمده است. در زمان این تحقیق، در زندان ولایت بامیان، شش زن زندانی می باشند و همه ای آن ها در این تحقیق اشتراک نموده و به سوالات پاسخ داده اند.

مبحث اول: کلیات تحقیق

این مبحث در سه گفتار جداگانه مورد بررسی قرار می‌گیرد.

گفتار اول: مفاهیم مرتبط

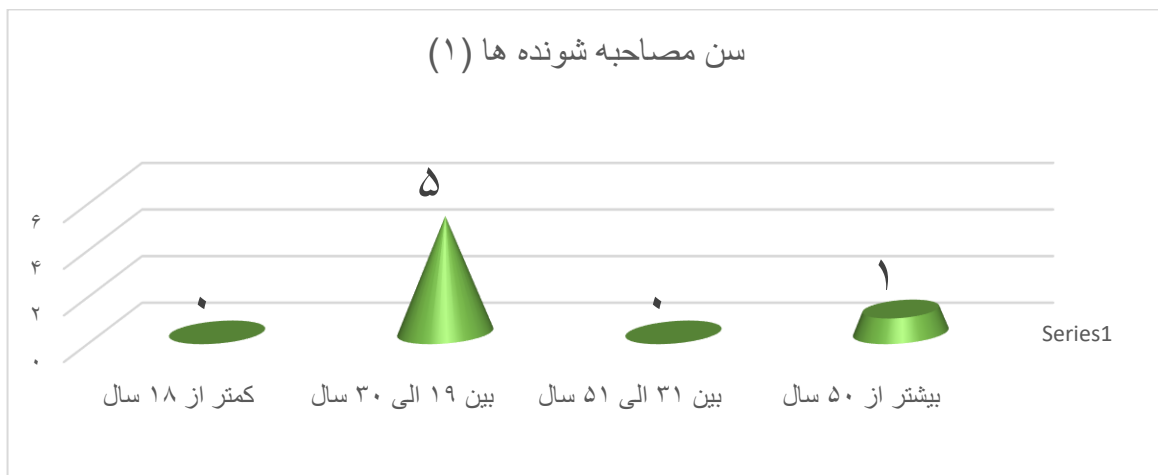
زندان: به تعبیر کلی می‌توان گفت که زندان عبارت از نظارت خانه، توقیف خانه، مرکز اصلاح و تربیت اطفال و محبوس بوده و اشخاصی که آزادی آن‌ها به حکم قانون سلب گردیده در آن نگهداری می‌گردند.

زندانی: شخصی است که به ارتکاب جرم، مظنون یا متهم بوده و یا به اساس حکم محکمه‌ای با صلاحیت محکوم به حجز یا حبس گردیده باشد.

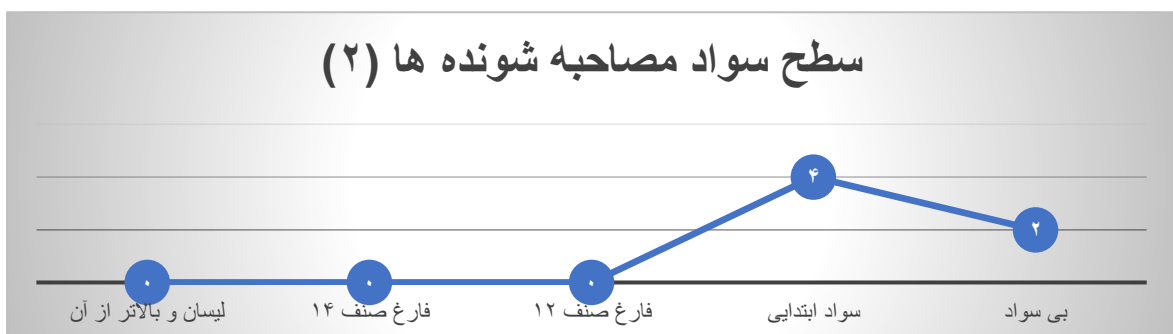
گفتار دوم: مشخصات مصاحبه شونده‌ها

در این مبحث در مورد سن، سطح دانش، حالت مدنی، سکونت و نوع جرم ارتكابی مصاحبه شونده‌ها ذیلاً بحث می‌گردد.

۱. **سن مصاحبه شونده‌ها:** در بخش زندان زنانه باید اظهار داشت که در زمان این تحقیق شش زن، زندانی بوده که سن پنج تن از آنان بین ۱۹ الی ۳۰ سال و ۱ تن دیگر آن بیش از ۵۰ سال سن دارد



۲. **سطح دانش مصاحبه شونده‌ها:** دو تن از زندانیان بی سواد بوده و چهار تن شان دارای سواد ابتدایی می‌باشند.



۳. **حالت مدنی مصاحبه شونده ها:** چهار نفر از آنان متأهل و دو تن شان بیوه می باشند. باید تذکر داد که چهار تن شان از بامیان بوده و دو تن آنان از دیگر ولایات می باشند ولی چون در بامیان گرفتار شده اند، مطابق فقره ۱، ماده ۱۷۹ قانون اجراءات جزایی، در همین جا محاکمه و زندانی شده اند.

گفتار سوم: نوع جرم ارتكابی زندانیان

تعداد بیشتر این زندانیان از منزل شان فرار کرده اند اما در این مورد متحدالمال شماره ۲۳۰۹-۲۳۸۰ مورخ ۱۳۹۱/۱۰/۲۴ ستره محکمه، چنین صراحت دارد؛ (بین فرار یا ترک منزل و ارتكاب جرم تفاوت وجود دارد، زیرا کسی که منزل خود را به اثر خشونت خانوادگی و به هدف رهایی از خشونت ترک و به ارگان های عدلی و قضایی، مؤسسات خدمات حقوقی و یا منزل اقارب پناه می برد، این حالت قانوناً جرم نیست، چنانچه به همین منوال زنان و دختران زیادی به مقصد رهایی از خشونت های خانوادگی در خانه های امن به سر می برند. فلذا فرار یا ترک منزل به هدف رهایی از خشونت، اصلاً جرم نبوده، قابل تعقیب عدلی نمی باشد. اما زمانی که ترک منزل به هدف و منظور دیگری و یا ارتكاب جرم غیر اخلاقی صورت گیرد، قضیه عنصر جرمی کسب نموده و قابل تعقیب عدلی می باشد. در این صورت اصطلاح فرار از منزل یا ترک منزل مصداق نداشته و بهتر است تا به وصف جرمی مطابق به جرمی که ارتكاب یافته است منسوب گردد، نه فرار یا ترک منزل). (بختیاری، ۱۳۹۷، ص ۳۸)

با توجه به این متحدالمال، محض فرار از منزل جرم نبوده و کسی به این اتهام محکوم نخواهد شد. البته زنان زندانی زندان ولایت بامیان اکثراً به جرم زنا و یا شروع به آن دستگیر شده و زندانی اند و طبیعی است که فرار از منزل می تواند زمینه ساز چنین وضعیت باشد.

با آنکه خانه های امن (مراکز حمایتی) اولین بار در سال ۱۳۸۱ درست در آوان حکومت موقت برای زنان متواری شده از ایران به ابتکار والی آن زمان ولایت هرات الحاج محمد اسماعیل خان ایجاد گردید که حدود ۴۰ تن در آن حضور داشت (رحمانی، ۱۳۹۴، ص ۷۵). و زندان ها خیلی قبل تر از آن وجود داشته است ولی سهولت ها و مزایایی که در خانه های امن برای زنان فراهم است هرگز در زندان ها فراهم نبوده است و این نیز می رساند که مشکلات زنان زندانی بیشتر بوده و آنان مورد بی مهری قرار گرفته اند. در مورد زنان زندانی در زندان ولایت بامیان با جزئیات بیشتر صحبت کرده و این بخش در سه قسمت ارائه می شود.

مبحث دوم: یافته های تحقیق

در این مبحث قسمت اول در مورد محیط زندان، بخش دوم آن در مورد بهداشت و غذا و قسمت آخر در مورد پرسونل بخش زنان زندان ولایت بامیان پرداخته و یافته های این تحقیق ارائه می گردد.

گفتار اول: محیط زندان

محیط و اطراف طبیعتاً بر اخلاق، رفتار و افکار شخص تأثیر می گذارد. محیط زندان باید به گونه ای باشد که زندانی هم از لحاظ جسمانی در اذیت نباشد و هم از لحاظ فکری زمینه ساز اصلاح وی گردد. با توجه به این مسائل قانونگذار بعضی موارد را در مورد محیط زندان ها در قانون تنظیم امور زندان ها بیان داشته است که در اینجا به ذکر بعضی موارد آن با توجه به مواد قانون و نیز پاسخ زنان زندانی در ولایت بامیان می پردازیم.

یکی از مسائل مهم در محیط این است که افراد اطراف ما کی ها هستند. همنشینی با افراد خوب باعث عروج و با افراد ناباب دلیل تزلزل انسان می گردد و از طرف دیگر با توجه به اینکه مکان مورد بحث ما زندان است، اشخاص مسن می توانند باعث بدتر شدن افراد جوان تر گردند و نیز شاید بر آنان ظلم و تجاوز کنند بالاخص به اشخاصی که نوجوان اند و بخاطر ارتکاب یک اشتباه به زندان آمده اند و یا اینکه از مراکز اصلاح و تربیت اطفال به زندان ها انتقال داده شده اند. با در نظر گرفتن این مسائل بوده است که فقره ۲، ماده ۴۹ قانون زندان ها، چنین حکم نموده است: «زندانی که سن وی از ۱۸ سال بالاتر و از ۲۵ سال کمتر باشد، در بخش های جداگانه نگهداری می شود». ولی این قانون در بخش زنان زندان ولایت بامیان پیروی نشده و همه زندانی ها یکجا نگهداری می شوند. این عمل می تواند باعث آن گردد که زندانیان جوان تر و قابل اصلاح حرفه ای تر شده و بیشتر به عمق کارهای ناشایست کشانیده شوند. و در این مورد در جریان مصاحبه یکی از اساتید حقوق چنین اظهار داشتند: "اگر مجازات حبس باعث اصلاح و تربیت زندانیان شود، می توان خسارت ناشی از تعطیل نیروی کار و هزینه ای نگهداری را تحمل نمود، ولی در واقع حبس، شخص عادی را به فاسد تبدیل می کند و بر فساد فاسد می افزاید". چه آنکه در زندان، مجرمان عادی و حرفه ای و متخصص با هم به سر می برند، چنانچه کسانی که اساساً مجرم نیستند ولی به حکم قانون مجرم شناخته شده اند نیز در کنار آنان هستند مثلاً حمل کنندگان اسلحه و مرتکبین خطا و اهمال. (قربان نیا، ۱۳۹۲، ص ۱۷۸)

مساحت و اندازه ای مکانی که در آن زندگی می کنیم تأثیر مستقیم بر انسان دارد و می تواند در بهبود یا وخامت وضعیت انسان نقش کلیدی بازی کند. از طرف دیگر، چون زندان ها قاعدتاً اماکن بسته و محدود می باشند، این نکته نیز اهمیت پیدا می کند که آیا نور و روشنی به مقدار کافی برای ساکنان آن جاها می رسد یا خیر و با توجه به همین مسائل بوده است که فقره ۳، ماده ۱۷ قانون زندان ها چنین حکم نموده است: "اداره در مورد مساحت، محل بود و باش، اندازه ی روشنی اتاق و امور مربوط به تهویه و تسخین اتاق های زندانیان تدابیر لازم را اتخاذ می نماید". هر چند که همه ی زنان زندانی در ولایت بامیان از مساحت و روشنی زندان رضایت کامل داشته و وضعیت آن را خوب می دانند، اما باید یادآور شد که از سردی هوا بی نهایت شکایت دارند و از آنجایی که بامیان یکی از ولایات سردسیر کشور می باشد، ماه عقرب (زمانی که این تحقیق صورت گرفته است) هوا سرد می باشد ولی در زندان ولایت بامیان برای زنان هیچ نوع وسیله برای تهویه و گرم کردن فراهم نبوده و همه ای آنان از این وضعیت ناراضی می باشند.

بسیاری از مردم را عقیده بر این است که نظافت نصف ایمان است. عدم مراعات اصول بهداشتی و توجه نکردن به نظافت می تواند زمینه ساز بسیاری از مشکلات، بالاخص مشکلات صحتی گردد. با مد نظر قرار دادن همین مباحث بوده

است که قانون گذار در فقره ۱، ماده ۱۷ قانون زندان ها بیان داشته است: "اداره مکلف است زندان ها را با وسایل صحی مناسب تجهیز و محیط آن را به صورت درست و نظیف نگهداری نماید". قابل ذکر است که زنان زندانی در زندان ولایت بامیان از نظافت محیط زندان رضایت کامل داشته و در این مورد هیچ نوع شکایتی ندارند و این می رساند که پرسونل بخش زنان زندان ولایت بامیان به نظافت توجه جدی دارد. نکته ای دیگر این که مطابق فقره ۲، ماده مذکور، اداره ملزم به فراهم ساختن چپرکت و بستر خواب جداگانه برای هر زندانی دانسته شده است و در این مورد نیز زنان زندانی رضایت کامل داشته و می گویند که هر کدام آنان دارای چپرکت های جداگانه برای خواب می باشند.

زنان نه تنها نصف جمعیت جامعه را تشکیل می دهند بلکه بخشیدن نعمت زندگی به آحاد جامعه نیز به آنان اعطا شده است و از این لحاظ زنان تأثیر مهم بر جامعه دارند. ممکن است که زنان زندانی نیز، قبل از محکوم شدن به زندان، حامله بوده و در زندان زایمان کنند و فرزندان آنان در همانجا رشد یابند. برای این منظور وجود کودکستان امر اجتناب ناپذیر بوده و باید ایجاد گردند. با توجه به همین مسأله بوده است که قانون زندان ها در فقره ۲، ماده ۲۲ خویش چنین حکم نموده است: " اداره به منظور تربیت و پرورش اطفال محبوسین انانیه، کودکستان های معیاری را در محابس تأسیس می نماید". ولی وقتی در مورد کودکستان در زندان ولایت بامیان از زنان زندانی پرسیدیم، پاسخ آنان منفی بوده و گفتند که در اینجا هیچ کودکستانی وجود ندارد. این در حالی است که در این زندان، دو طفل، یکی سه ماهه و دیگری هفت ساله با مادران شان زندگی می کنند و فقط خوراک این اطفال توسط محبس تأمین می گردد و دیگر نیازمندی های آنان را باید مادران شان تأمین نمایند.

ورزش ضامن سلامتی است و انجام دادن آن می تواند علاوه بر صحتمندی فرد باعث بهتر شدن روحیه ای انسان گردد. از سویی دیگر، چون زندانیان در یک محیط بسته و محدود زندگی می کنند، این محیط می تواند باعث وخامت روحیه ای ساکنان آن گردد و از جانب دیگر، با توجه به این که زندانیان، بالاخص زندانیان زن، در مورد آینده ای خود دغدغه های فراوانی دارند، این تشویش ها نیز بر وخامت وضعیت روحی آنان می افزاید و در چنین حالتی ورزش کردن می تواند تا حد بسیار زیادی به زندانیان کمک نموده و روحیه آنان را بهبود بخشیده و آنان را به آینده شان امیدوار سازد و علاوه بر این، گشت و گذار در فضای آزاد نیز می تواند در تسریع این پروسه تأثیر شایان توجه داشته باشد. با در نظر داشت همین فواید بوده است که قانونگذار در فقره ۱، ماده ۲۷ قانون زندان ها چنین حکم نموده است: " اداره مکلف است زمینه ای ورزش را در عرصه های مختلف برای محبوسین فراهم نماید". و نیز فقره ۱، ماده ۲۶ قانون مذکور بیان می دارد که: " زندانی حق دارد روزانه در فضای آزاد گشت و گذار نماید". هر چند زنان زندانی در ولایت بامیان، حق گشت و گذار در فضای آزاد را بطور ۲۴ ساعته دارند و هیچ نوع ممنوعیتی در آن مورد نیست ولی از طرفی، این فضای آزاد فقط ۳۰ در ۳۴ متر است و از جانب دیگر متأسفانه هیچ نوع وسایل و زمینه ای برای ورزش فراهم نبوده و زنان زندانی هرگز ورزش نمی کنند و در مورد تمرینات بدنی نیز برنامه ای منظمی وجود ندارد.

گفتار دوم: بهداشت و غذا

مسائل بهداشتی و صحی یکی از اساسی ترین مسائل در زندگی امروزیست و باید به آن توجه نمود. این حقیقت که آلودگی هوا از سال ۱۹۹۵ تا ۲۰۱۷ بیشتر از پدیده ای تروریزم افراد را به کام مرگ فرستاده است، اهمیت این موضوع را می رساند. از طرف دیگر، شیوع کرونا که باعث گردید همه ای انسان ها به موضوع صحی توجه جدی نمایند، نیز اهمیت بهداشت و صحت را می رساند. تغذیه نیز مسأله درخور توجه و اهمیت بوده و باید به آن رسیدگی جدی صورت گیرد.

مسئله سوء تغذی روزانه انسان های زیادی را به کام مرگ می فرستد و باعث مشکلات فراوان می گردد. این دو مسئله در زندان ها نیز کاملاً مورد توجه بوده و اشخاص دخیل در آن به این موضوعات نظر داشته اند.

زنان زندانی در ولایت بامیان در مورد مسائل صحتی و بهداشتی رضایت کامل داشته و از پرسونل زندان ولایت بامیان بالاخص بخش صحتی، در این مورد خیلی خرسند هستند. قانونگذار کشور نیز به این مسئله نظر داشته و در فقره ۱، ماده ۲۸ قانون زندان ها بیان داشته است: " کمیته ای صحتی در هر ولایت به ترکیب ذیل ایجاد می گردد: ۱- مسؤل کلینیک یا مرکز صحتی زندان مربوطه به حیث رئیس. ۲- داکتر معالج به حیث عضو. ۳- یک داکتر متخصص از وزارت صحت عامه به حیث عضو. " و نیز فقره ۱، ماده ۳۰ این قانون حکم نموده است: " اداره مکلف است برای زندانیان خدمات صحتی رایگان را فراهم نماید. " و نیز فقره ۴ همان ماده بیان می دارد: " هرگاه تداوی و معالجه زندانی در داخل مرکز صحتی زندان ناممکن باشد، مسوولین زندان به اساس پیشنهاد کمیته ای صحتی، زندانی مریض را به شفاخانه ای مناسب خارج از زندان منتقل می نماید. " زنان زندانی در زندان ولایت بامیان می گویند که این احکام قانون در زندان ولایت بامیان کاملاً مراعات شده و هرگاه آنان در داخل محبس تداوی نشده اند، به شفاخانه انتقال داده شده و مورد تداوی قرار گرفته اند و در بخش صحتی هرگز مشکل نداشته اند.

متأسفانه در بخش تغذیه، نظر زنان زندانی ولایت بامیان متفاوت بوده و بیشتر آنان از غذای این زندان راضی نیستند. در این مورد فقره ۱، ماده ۱۶ قانون زندان ها چنین صراحت دارد: " ادارات زندان ها مکلف اند، برای زندانیان با نظر داشت سن، حالت صحتی، حمل و ولادت، کار و موسم سال، آب و غذای صحتی و مناسب را تهیه نمایند. " و علاوه بر این فقره ۳ همان قانون بیان می دارد: " داکتر مؤظف مکلف است، جهت رعایت قواعد صحتی و حفظ الصحه، غذای روزمره زندانیان را کنترل و نظارت نماید. " هرچند شاید در زندان ولایت بامیان غذای مناسب برای زندانیان تهیه نمی شود و بخاطر همان نصف آنان از این بابت ناراضی اند ولی قابل ذکر است که غذای زنان زندانی هر روزه مورد نظارت قرار گرفته و مورد کنترل قرار می گیرد.

گفتار سوم: پرسونل بخش زنانه زندان

پرسونل زندان یک بخش مهم بوده و نقش کلیدی ایفا می کند. پرسونل زندان در اصلاح و تربیت زندانیان بسیار مؤثر بوده و نیز عرضه ی خدمات به آنان بر دوش آن ها است. فقره ۱، ماده ۵۰ قانون زندان ها در مورد پرسونل بخش زنان زندانی چنین حکم نموده است: " زندان های اناتیه از جانب مؤظفین زن و زندان های مردانه از جانب مؤظفین مرد، اداره می شوند. " این حکم قانونی در زندان ولایت بامیان نیز اعمال شده و بخش زنان توسط زنان اداره شده و خدمات عرضه می شود. و فقره ۱، ماده ۳۴ قانون مذکور بیان می دارد: " کارکنان زندان ها، سارنوالان، قضات و سایر اشخاصی که به نحوی از انحا با زندانیان سر و کار دارند، مکلف اند حین اجرای وظایف، احکام قانون و موازین حقوق بشری را رعایت نموده و با آن ها بدون درنظرداشت قوم، تابعیت، مذهب، دین، نژاد، رنگ، جنسیت، زبان، موقف اجتماعی یا سیاسی بیطرفانه رفتار نمایند. " قابل ذکر است که همه زنان زندانی از طرز برخورد پرسونل بخش زنان زندان ولایت بامیان رضایت کامل داشته و از آنان متشکر هستند و این می رساند که پرسونل بخش زنان زندان ولایت بامیان در ایفای وظیفه خود کوتاهی نکرده و آن را به وجه احسن انجام داده اند.

مبحث چهارم: زنان زندانی و زمینه های اصلاح و بازگشت به اجتماع

آنچه اظهر من الشمس است، این است که هدف از زندانی کردن افراد باید اصلاح آن ها باشد، نه فقط مجازات آن ها برای عملی که در گذشته انجام داده اند. در این مورد همه مکاتب مهم حقوقی-اجتماعی-فکری از جمله: اسلام، فایده گرایی، عدالت مطلق، اثبات گرایی، دفاع اجتماعی، عدالت ترمیمی... هم نظر بوده و اصلاح مجرم را یکی از اهداف مهم و کلیدی می دانند (علامه، ۱۳۹۶، ص ۴۴ الی ۵۷). با توجه به همین مسأله ی مهم و حیاتی است که بسیاری از صاحب نظران بر این باور اند که مقررات جزایی تغییر کند تا مجازات ها بتوانند به کارکرد جدید حقوق جزایی که همان اصلاح مجرم و مبارزه با عوامل جرم زا است، جامه ای عمل ببوشاند (آشوری، ۱۳۸۲، ص ۲۱). از طرف دیگر، میان زندانی شدن مجرم و منافع اجتماع به نوعی تعارض وجود دارد و بهترین قانون، قانونی است که هر دو هدف را مورد نظر قرار دهد، به طوری که هم حقوق افراد حفظ شود و هم با در نظر گرفتن سرعت و دقت، منافع جامعه در امان باشد (غلامی، ۱۳۸۵، ص ۱۹۸). در این بخش به مواردی توجه می کنیم که می تواند باعث اصلاح و زمینه ساز بازگشت زندانی ها به اجتماع گردد.

گفتار اول: اقارب

مهمترین عنصر در اصلاح زندانیان، اقارب آنان است. اقارب از سوی باعث می گردد که زندانیان ناامید نشده و روحیه و اخلاق اجتماعی خود از دست ندهند و از جانب دیگر وسیله ای می گردد برای حفظ رابطه زندانی با محیط بیرون از زندان، تا هنگام رهایی از زندان، شخص زندانی احساس بیگانگی با محیط نکرده و بتواند زود با آن کنار بیاید. با توجه به همین مزایا بوده است که قانونگذار در ماده ۷۷ قانون زندان ها چنین حکم نموده است: " اشخاص محکوم به حبس در محاسبی نگهداری می شوند که به محل سکونت خانواده های شان نزدیک باشند". وضعیت ۴ تن از زنان زندانی در ولایت بامیان مطابق همین ماده قانونی است ولی دو تن دیگر آنان که از ولایات دیگر می باشند، چنین نیستند. هرچند مطابق فقره ۱، ماده ۳۳ قانون زندان ها، این دو زن زندانی حق دارند که به زندان های منتقل شوند که به اقارب آنان نزدیک است ولی این نیز قابل ذکر است که این دو زن میلی به این کار ندارند و این می رساند که زندانی ساختن زنان تا چه حدی بر آنان گران تمام شده و آنان را از جامعه و خانواده شان دور می سازد.

گفتار دوم: آموزش

آموزش یکی از بهترین وسیله ها و روش ها برای اصلاح مجرمین است و نیز باعث می گردد که در بازگشت به اجتماع برای یک زندانی باعث کسب شغل و مقام گردد و جامعه وی را بحیث یک عضو مفید و خوب بپذیرد. فقره ۱، ماده ۲۲ قانون تنظیم امور زندان ها اظهار می دارد: " اداره، مطابق نصاب تعلیمی وزارت معارف برای تعلیم محجوزین و محبوسین مکاتب و مراکز آموزشی را تأسیس می نماید". اما آنچه در بامیان باعث دلسردی و دغدغه است، این است که در زندان ولایت بامیان برای زنان زندانی هیچ نوع برنامه و مرکز آموزشی وجود ندارد. یکی از زنان زندانی زندان مذکور که بیش از سه سال در آنجا بوده است، می گوید که در این مدت هیچ نوع برنامه یا مرکز برای آموزش زنان زندانی در زندان ولایت بامیان دایر نگردیده است. وجود چنین وضع باعث می گردد که زندان یک مکان اصلاح نه بلکه لانه ای برای حرفه بی تر شدن زندانیان در ارتکاب جرایم گردد و از طرفی امکان بازگشت آنان به اجتماع را شدیداً

کاهش می دهد. با توجه به این که ۴ تن از زندانیان زن در زندان ذکر شده دارای سواد ابتدایی می باشند، اگر در بخش آموزش آنان توجه جدی صورت گیرد، امکان این که آنان بتوانند به سواد بهتر و بالاتر دست یافته و بعد از رهایی بتوانند کاری برای خود پیدا کنند و دوباره جذب جامعه شوند، است.

گفتار سوم: حرفه و فن

از آنجایی که زنان زندانی داخل زندان نیاز به پول دارند و شاید این نیاز شان توسط افراد دیگر برآورده نگردد و نیز با توجه به این که بعد از رهایی از زندان، امکان این که زنان زندانی بتوانند در محیط های جمعی زود شغل و کار به دست آورند، کم است و نیز با در نظر گرفتن این نکته که عدم استعانت مالی و روبرو شدن با مسائل و مشکلات مالی می تواند باعث گردد که این ها دوباره به زندان کشانیده شود، اهمیت آموختن حرفه برای زنان زندانی کاملاً روشن می گردد. آموختن حرفه باعث می گردد که زنان زندانی بتوانند خود شان نیاز های مالی خود را مرفوع ساخته و نیاز به کس دیگری نداشته باشند و از طرف دیگر، بعد از رهایی از زندان می توانند خود شان به مشاغل آزاد رو آورند و بدون دغدغه ای این که آیا جامعه آنان را می پذیرد یا خیر، در جمع می توانند کار کنند یا نه، و دیگر مسایل، به تنهایی دست به کار شده و چرخه ای زندگی خود را بچرخانند. با توجه به اهمیت همین موضوعات بوده که قانونگذار در فقره ۳، ماده ۲۴ قانون تنظیم امور زندان ها، بیان داشته است: "اداره مکلف است مراکز حرفه آموزی را به منظور آموزش زندانیان ایجاد نماید تا زندانیان بعد از رهایی بتوانند جذب بازار کار گردند یا خود به ایجاد حرفه های کوچک اقدام نمایند". اما متأسفانه چنین مراکزی تا هنوز برای زنان زندانی زندان ولایت بامیان ایجاد نگردیده است و آنان هیچ نوع آموزش حرفه ای را تجربه نکرده اند. با توجه به این مسئله باعث خود کفایی زنان و به تبع آن باعث کاهش امکان بازگشت زنان زندانی به زندان و نیز ارتکاب جرایم می گردد.

گفتار چهارم: کار و شغل

کار و اشتغال نه تنها باعث آن می گردد که روحیه ای زندانی بالا رفته و اعتماد به نفس آن افزایش یابد بلکه باعث استقلال مالی وی شده و می تواند وی را از تکرار ارتکاب جرایم باز دارد. این امر بالاخص در زنان زندانی مهمتر است چون آنان نسبت به آینده خیلی خوشبین نبوده و آن را خوب نمی بینند.^۱ در چنین وضعیتی اگر آنان دارای شغل و کار شوند و درآمد داشته باشند یا زمینه ای برای شان فراهم شود، واضح است که تأثیر مثبت داشته و باعث می گردد آن ها به آینده امیدوار شوند و دنیا را خیلی تنگ و تاریک نبینند. با مدنظر گرفتن همین مسائل بوده است که قانونگذار در فقرات ۱ و ۲، ماده ۲۴ قانون زندان ها بیان داشته است:

۱. اداره محبس به منظور اصلاح محبوسین، زمینه اشتغال را برای آن ها فراهم می نماید.

۲. محبوسین می توانند در کارخانه های تولیدی، صنعتی و زراعتی داخل زندان ها یا بیرون از آن مشغول به کار شوند و یا در مراکز آموزش حرفه، ثبت نام نمایند".

همچنان در فقره ۱، ماده ۶۰ قانون مذکور چنین حکم نموده است: " اداره مکلف است به منظور اشتغال محبوسین کارگاه ها و کارخانه های تولیدی، صنعتی و زراعتی را در ساحه زندان ها ایجاد نماید". البته این نکته نیز قابل ذکر است که

^۱ دو تن از زنان زندانی از میان شش تن، کاملاً بی سرپرست بوده و آینده شان معلوم نیست؛ نه شوهر دارند، نه فرزند و نه هم خانواده.

قانون برای اشتغال زندانیان بعضی شرایط را نیز پیش بینی کرده است که مهمترین آن در بندهای ۴ و ۵، فقره ۱، ماده ۶۱ قانون زندان ها بیان شده است: "۴- عدم محکومیت محبوس به حبس کمتر از یک سال. ۵- عدم محکومیت محبوس به جرایم نسل کشی، ضد بشری و جنگی". زنان زندانی در ولایت بامیان هیچ یک به جرایم مندرج بند ۵، فقره ۱، ماده ۶۱ قانون مذکور محکوم نبوده و به استثنای یک زندانی، مابقی همه به بیش از یک سال حبس محکوم شده اند و واجد شرایط کار می باشند و همه ای آنها میل به کار نیز دارند ولی متأسفانه نه زمینه ای کار برای آنان فراهم می شود و نه هم زمینه ای آموزش حرفه. در صورتی که در محبس ولایت بامیان امکان ایجاد کارگاه ها نیست و یا در بخش زنان به حرفه نیست، مطابق حکم بند ۴، فقره ۱، ماده ۵۹ قانون زندان ها، اداره باید زنان را به بیرون از زندان انتقال داده و زمینه ای کار را برای آنان فراهم نماید و نیز مطابق نص بند ۳، فقره ۱، ماده ۶۱ قانون مذکور زنان زندانی شاغل باید دست مزد نیز دریافت نمایند. واضح است که دریافت مزد به آنان کمک شایان توجه نموده و می تواند وضعیت آنان را تا حد قابل ملاحظه ای تغییر دهد.

گفتار پنجم: رخصتی

یکی از حقوق مسلم زندانیان، رخصتی است. رخصتی نه تنها باعث آن می گردد که زندانی رابطه اش را با دنیای بیرون بالاخص خانواده خود، حفظ نماید بلکه یک محرک خوبی است برای آنان تا از تکرار جرایم منصرف شده و تصمیم به آغاز یک زندگی عادی و طبیعی بگیرند و زمینه ساز اصلاح آنان گردد. با عنایت به همین مسائل بوده است که قانون زندان ها در فقره ۱، ماده ۲۱ خویش در این مورد چنین حکم نموده است: "به منظور حفظ بهتر روابط فامیلی برای محبوسین و محبوسین با نظر داشت حالات، الی مدت بیست روز در یک سال رخصت داده می شود. محکومین جرم جنایت از این حکم مستثنی می باشند". با توجه به این مسئله و نیز با در نظر گرفتن این که فقط ۱ تن از زندانیان زن در زندان ولایت بامیان به جرم جنایت زندانی است، می توان گفت که زنان زندانی این زندان می توانند از این حق قانونی خود مستفید شوند اما پرسونل این بخش مدعی است که زنان زندانی خود مایل به اخذ رخصتی نبوده و نمی خواهند زندان را ترک کنند. که در این صورت مطابق نص فقره ۲ همان ماده باید این مدت (۲۰ روز در سال) از مدت زندان آنان کاسته شود. قابل ذکر است که قانون محابیس و توقیف خانه ها، در فقره ۲، ماده ۳۷ خویش به سارنوال صلاحیت داده بود که در صورت مریضی خطرناک و یا وفات یکی از اقارب زندانی، زندانی را الی مدت ۷ روز تعطیلی بدهد ولی در قانون جدید (قانون تنظیم امور زندان ها) این بخش حذف گردیده و زندانیان فقط همان ۲۰ روز رخصتی در سال را دارند.

نتیجه گیری

زنان زندانی در زندان ولایت بامیان در مجموع از محیط و پرسونل این زندان راضی بوده و مشکل خاصی ندارند اما در مقابل از عرضه خدمات، بالاخص خدمات آموزشی و حرفوی کاملاً ناراضی بوده و برای آنان هیچ یک از خدمات عرضه نشده است. همه زندانیان زن از مساحت، روشنی و نظافت محیط خویش راضی بوده و دارای بستر خواب های جداگانه نیز می باشند اما از نبود وسایل تهویه، امکانات ورزشی و نیز عدم موجودیت کودکان شکایت دارند. همه زنان این زندان یک جا نگهداری می شوند و بطور ۲۴ ساعته حق دارند در فضای آزاد گشت و گذار نمایند.

از خدمات صحی و نیز پرسونل این بخش زندان ولایت بامیان رضایت کامل داشته و می گویند که در صورت عدم تداوی در داخل زندان، توسط موتر به شفاخانه انتقال داده شده و مورد تداوی قرار می گیرند. اما از غذای که در زندان به آنان داده می شود، ناراضی بوده و ۲ تن از آنان وضعیت غذا را بسیار بد می دانند. بخش زنان زندان ولایت بامیان توسط زنان اداره شده و تمام زندانیان زن از طرز برخورد آنان رضایت کامل داشته و هیچ مشکلی در این مورد ندارند.

دو تن از زندانیان زن زندان ولایت بامیان از ولایات دیگر می باشند و به همین خاطر اقارب شان در بامیان نیست. هر چند آنان قانوناً حق دارند که خود را از زندان بامیان به زندان ولایات خود شان انتقال دهند اما آنان علاقه‌ی به امر این ندارند و می خواهند در همین زندان بمانند و نیز زنان زندانی از حق رخصتی خود استفاده نکرده و می گویند که نمی توانند به سادگی و بدون مشکل به خانواده و میان اقارب و جامعه برگردند و این می رساند که تا چه حد باید برای بازگشت آنان به خانواده و جامعه و پذیرفته شدن شان زمینه سازی صورت گیرد و کار شود. خدمات آموزشی در زندان ولایت بامیان برای زنان زندانی ارائه نشده و هیچ کدام آنان از این وضع رضایت ندارند و علاوه بر آن در بخش آموزش های حرفوی نیز کاری صورت نگرفته و آنان هیچ نوع حرفه ای را نیاموخته اند. مزید بر آن که حتی زمینه اینکه آنان از حرفه ای که دارند استفاده کنند و کار انجام داده و محصولات خود را به بازار عرضه دارند نیز فراهم نشده و حق قانونی آنان نقض شده است.

در مجموع وضعیت زنان زندانی در بخش زنان زندان ولایت بامیان رضایت و قناعت بخش بوده و آنان از زندان و پرسونل آن راضی اند و برای بهتر شدن وضعیت آنان باید در بخش های ورزشی، آموزشی، حرفوی و زمینه های کاری فعالیت هایی صورت گیرد و این امکانات برای شان فراهم شود و نیز این که برای بازگشت آنان به خانواده های شان و نیز اجتماع باید اقدامات جدی، مؤثر و فوری روی دست گرفته شود.

پیشنهادات

۱. فراهم کردن زمینه ای آموزش و تعلیم در زندان.
۲. فراهم کردن زمینه ای فرا گرفتن حرفه و کسب.
۳. فراهم شدن زمینه ای کار در داخل و یا خارج از زندان.
۴. ایجاد کودکانستان و حمایت از زنان زندانی که اطفال دارند.
۵. حمایت و توجه قانونی به زنان زندانی.
۶. همکاری نهادهای عدلی و قضایی، اجتماعی و جامعه مدنی برای بازگشت زنان بعد از رهایی به خانواده های شان و اجتماع.
۷. کاهش مجازات حبس برای زنان و بدیل های حبس در نظر گرفته شود تا امکان بازگشت آنان به جامعه آماده شده و مجبور به مجرم ماندن نگردند.

منابع

الف) کتب و مقالات

۱. آریائی، سحر، بررسی کارکردهای کمیسیون عالی منع خشونت علیه زن (مقاله)، راه حل ها برای کاهش، جلوگیری و محو خشونت علیه زنان در افغانستان (مجموعه مقالات)، کابل، ۱۳۹۴. ناشر: موسسه مشارکت ملی افغانستان.
۲. آشوری، محمد، جایگزین های زندان یا مجازات های بینابین، تهران، ۱۳۸۲. نشر گرایش.
۳. بختیاری، محمد اشرف، بررسی معاینه‌ی دوشبزیگی و پیامدهای آن از نظر فقه، حقوق و علم طب، چاپ سوم، کابل، ۱۳۹۷. نشر واژه.
۴. رحمانی، شگوفه، مطالعه خانه های امن در افغانستان (مقاله)، راه حل ها برای کاهش، جلوگیری و محو خشونت علیه زنان در افغانستان (مجموعه مقالات)، کابل، ۱۳۹۴. ناشر: موسسه مشارکت ملی افغانستان.
۵. صانعی، پرویز، حقوق جزای عمومی، تهران، ۱۳۸۸. انتشارات طرح نو، چ ۲.
۶. علامه، غلام حیدر، حقوق جزای عمومی افغانستان، چاپ سوم، کابل، ۱۳۹۶. انتشارات دانشگاه ابن سینا.
۷. غلامی، حسین، مبانی حقوق و عدالت جزائی در افغانستان، کابل، ۱۳۸۵.
۸. قربان نیا، ناصر، تأمل در فقه؛ تحول در حقوق، تهران، ۱۳۹۲. نشر میزان.

ب) قوانین

۱. قانون اجراءات جزایی، جریده رسمی، نمبر مسلسل: ۱۱۳۲، مورخ ۱۵ ثور ۱۳۹۳. کابل، وزارت عدلیه.
۲. قانون تنظیم امور زندان ها، جریده رسمی، نمبر مسلسل: ۱۳۷۵، مورخ ۲۸ حمل ۱۳۹۹. کابل، وزارت عدلیه.
۳. قانون محابس و توقیف خانه ها، جریده رسمی، نمبر مسلسل: ۹۲۳، مورخ ۱۰ سرطان، ۱۳۸۶. کابل، وزارت عدلیه.
۴. قانون منع خشونت علیه زن، جریده رسمی، نمبر مسلسل: ۹۸۹، مورخ ۱۰ اسد ۱۳۸۸. کابل، وزارت عدلیه.
۵. کد جزا، جریده رسمی، نمبر مسلسل: ۱۲۶۰، مورخ ۲۵ ثور ۱۳۹۶. کابل، وزارت عدلیه.